

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

هم سنجی همگونی در گویش سیستانی با فارسی معیار بر اساس نظریه زایشی

علیرضا قائمی

عضو هیات علمی، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان استان سیستان و بلوچستان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران

چکیده

نیاز به طرح ریزی مسائل دستوری زبان فارسی بر اساس قوانین زبانشناسی در تدوین قواعد دستوری نگارنده را بر آن داشت تا به بررسی همگونی در گویش سیستانی و ارتباط آن با زبان فارسی معیار پردازد. همگونی (assimilation) یکی از انواع فرایندهای واجی (phonemieprocess) است که «در آن مشخصه بخصوصی از یک واحد آوایی تغییر یافته و با مشخصه واحد مجاور یکسان می شود.» (جولیا اس فالک، ۱۳۷۲: ۱۹۷) منظور از گونه یا گویش (Dialect) توصیف کننده مشخصه های دستوری، واژگانی و تلفظی گویشوران یک زبان یا یک فرد خاص در موقعیت های مختلف است «سمعی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۱۱» در این پژوهش با استفاده از روش علمی و توصیفی فرایند همگونی در گویش سیستانی با فارسی معیار بر اساس موازین ارائه شده در نظریه زایشی و تغییر و تحولاتی که در ساخت آوایی یا صوتی برای دست یابی به صورت زیرساختی موارد همگونی اتفاق می افتد پرداخته می شود. اساس کار چند اثر مکتوب از جمله «کورنامه نیمروز» «گج و گج» و «کاگُلک» و نیز مصاحبه با تعدادی از گویش وران بومی منطقه بوده است که از طریق اوانگاری IPA انجام شده است.

کلید واژه: همگونی، گویش سیستانی، تناوب و اجی، فارسی معیار، لهجه

مقدمه:

برای شناخت درست دستور زبان فارسی ضرورت آشنایی با مسائل زبان شناسی که امروزه با استفاده از معیارها و ملاک های عینی و توصیفی به مطالعه زبان می پردازد بر هر محقق لازم است. علم زبان شناسی با توجه به نقش ارتباطی زبان تغییر و تحولات زبانی را متناسب با تحولات جامعه مورد بررسی قرار می دهد و از طریق مطالعه مقطعی یا توصیفی (همزمانی) و بررسی پویا (درزمانی) و تاریخی در پی شناخت زبان است. ادبیات با زبان ارتباط نزدیکی دارد بنابراین بدون آشنایی با فرایندهای واجی و هم سنجی آن با گویشهای رایج یک جامعه زبانی دست یابی به معیارهای دستور هر زبانی امکان پذیر نمی باشد.

«یکی از گویش های اصیل زبان فارسی دری که از نظر ساخت آوایی ویژگی های صرفی و نحوی و واژگان ارتباط تنگاتنگی با زبان فارسی در ادوار تاریخی آن دارد گویش مردم سیستان است. این گویش امروزه علاوه بر سیستان کنونی در شهرستان

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

سرخس خراسان، جنوب کشور ترکمنستان، بخش هایی از افغانستان - ولایت نیمروز و فراه - شهرستان زاهدان بعضی از نقاط بلوچستان ایران، دشت گرگان و بلوچستان پاکستان رواج دارد» (یارشاطر ۱۹۸۵:۳۶۵ و رحیمی ۱۳۸:۳۶)

«بنا به مدارک تاریخی و فرهنگی موجود زبان ادبی پارسی - زبانی که بصورت اثار فراوان عصر کلاسیک به دست ما رسیده است - بر پایه لهجه های خراسان سیستان و ماورالنهر پدید آمده است» (یارشاطر ۱۹۸۵:۳۶۵)

نویسنده در این مقاله بر آن است تا با بررسی فرایند واجی همگونی در گویش سیستانی به صورت زیر ساختی برخی از واژگان موجود در زبان فارسی معیار امروزی بر اساس موازین نظریه زایشی دست یابد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پیشینه تحقیق

«قدیمی ترین اثر موجود در مورد گویش سیستانی مربوط به قرون اولیه اسلامی است که تحت عنوان قرآن قدس در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود» (محمدی، خمک ۱۳۷۱: ۶)

از میان مستشرقان تحقیقات جان وریهو درباره فرهنگ عامه سیستان که از طریق گفتگو و معاشرت با گویش وران بخش پشت آب سیستان تهیه شده است و نیز مقاله ژیلبر لازار در سال ۱۹۷۴م. با عنوان صرف فعل در گویش فارسی سیستان قابل ذکر است. بعلاوه آثار دیگری که تاکنون به چاپ رسیده است چند کتاب تحت عنوان واژنامه و یا فرهنگ، نوشته محققانی مانند (پرواز ۱۳۵۹) (افشار سیستانی ۱۳۶۵) (محمدی خمک ۱۳۷۹)، (رئیس الذاکرین ۱۳۶۵) و بررسی گویش مردم سیستان بهاری (۱۳۷۸) می باشد.

از منابع متاخر که تاکنون به چاپ نرسیده اما نسخه هایی از آنها در کتابخانه برخی دانشگاههای کشور موجود است پایان نامه های تحصیلی تعدادی از دانشجویان بومی منطقه در مقاطع کارشناسی ارشد است مانند (اویسی پور ۱۳۷۴ فردوسی مشهد) (ملایی قاسمی ۱۳۷۴ فردوسی مشهد) (محمد دوستی ۱۳۷۸ دانشگاه شیراز) و (خزاعی اصفهانی ۱۳۸۹ دانشگاه سیستان و بلوچستان) اما در هیچ کدام از این مطالعات و بررسی ها به موضوع همگونی در گویش سیستانی براساس معیارهای یک نظریه ادبی با رویکردی منسجم توجهی نشده است.

بیان مساله

در این پژوهش جنبه های آواشناسی و واج شناسی در گویش سیستانی بر پایه نظریه واج شناسی زایشی توصیف و تحلیل شده است و هدف پاسخ به این پرسش است که چگونه ما با وجود مجموعه ای از قواعد اندک می توانیم اطلاعات نامحدودی داشته باشیم و این دانش را چگونه و از کجا بدست می آوریم.

براساس نظریه زایشی بودن زبان « وقتی انسان زبانی را فرا می گیرد در واقع مجموعه محدودی قاعده یاد می گیرد. فراگیری نظام محدود در حوزه توانایی انسان که خود موجودی محدود است قرار می گیرد چون قواعد زبان می توانند مکرر به کار بسته شوند جنبه افزایشی پیدا می کنند به این معنی که آن مجموعه محدود قواعد می توانند مجموعه نامحدودی جمله بوجود آورند و از اینجاست که گفته می شود زبان نظامی است زایشی» (باطنی ۱۳۷۷: ۱۳۲)

به تعبیری دیگر، «زایایی زبان معلول توانش زبانی زیر ساختی سخنگوست که هر گز بطور کامل در کنش زبانی وی منعکس نمی شود.» (جولیا اس فالک ۱۳۷۲: ۲۴۵)

واج شناسی زایشی یا واج شناسی معیار با انتشار اثر معروف چامسکی و هله با عنوان الگوی آوایی زبان انگلیسی با نشانه اختصاری (SPE) معرفی گردید که نکته شاخص آن جنبه ریاضی گونه عملیات آن است ((در واج شناسی سادگی برابر است با تعداد مشخصه های لازم برای منعکس کردن یک تعمیم واجی و هر چه تعداد مشخصه های مورد نیاز کمتر باشد تحلیل ساده تر است و یا دارای ارزش بیشتری خواهد بود (هایمن ۱۳۶۸: ۱۶۴)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

« در دستور زایشی حوزه واج شناسی حوزه ای تعبیری تلقی می شود حال آنکه حوزه نحو مجموعه ای از ساخت های نحوی تولید می کند که آوای خود را از مولفه ی آوایی و معنایش را از مولفه ی معنایی دریافت می کند. واج شناسی زایشی اولیه درون داد حاصل از حوزه نحوی را (بازنمایی زیرساختی) می نامند که دارای اطلاعات غیر قابل پیش بینی تلفظی است و لزوماً باید به ذهن سپرده شود. این درون داد نحوی در ابتدا از صافی شبکه ای قاعده های واجی خاص زبان عبور می کند و تغییرات قابل پیش بینی و نظام مند را می پذیرد. این حوزه همان حوزه نظام آوایی است و برون داد آن «بازنمایی آوایی» نامیده می شود که هنوز از حالت انتزاعی خارج نشده است و صورت پیش از تولید و تلفظ به شمار می رود شیوه روش شناختی بکار رفته در واج شناسی زایشی شیوه «کشف» است که از گفتار به بازنمایی و از بازنمایی آوایی به بازنمایی زیرین پیش می رود هر واج شناس زایشی لازم است معیارهای زیر را در شناسایی و کشف صورت های زیرساختی (ژرف ساختی) مورد نظر قرار دهد:

- ۱- بررسی دقیق آوانویسی تفصیلی که از گفتار گویشوران یک گونه زبانی تهیه شده است.
- ۲- اطلاعات تولیدی یا تلفظی قاعده مند از غیر قاعده مند تمایز و تفاوت آنها بررسی شود.
- ۳- کشف تناوب های آوایی مشخصه ای یا تکواژی.
- ۴- از طریق فرضیه سازی از تناوب ها به بازنمایی ساختی برسد.
- ۵- فرضیه تایید شده را به صورت قاعده ارائه دهد و رابطه بازنمایی زیر ساختی به دست آمده را با صورت روساختی نشان دهد. (کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۷)

براساس نظریه زایشی با استفاده از شش معیار ارائه شده زیر بازنمایی زیرساختی با قطعیتی نسبی قابل شناسایی است:

- ۱- گرایش های جهانی:
اگر از دو مشخصه در حال تناوب $[\alpha]$ و $[\beta]$ ندانیم کدام زیر ساختی است به سایر زبان ها مراجعه می کنیم. اگر $[\alpha]$ به تنهایی در زبانی دیگر قابل مشاهده باشد اما $[\beta]$ به تنهایی در هیچ زبانی دیده نشود و حضورش وابسته به $[\alpha]$ باشد در این صورت $[\alpha]$ مشخصه زیر ساختی به شمار می رود.
- ۲- بسامد وقوع: از دو مشخصه در حال تناوب $[\alpha]$ و $[\beta]$ مشخصه ای که توزیع متنوع تری دارد بازنمایی زیر ساختی به شمار می رود.
- ۳- توجیه پذیری آوایی: از دو مشخصه در حال تناوب $[\alpha]$ و $[\beta]$ مشخصه ای بازنمایی زیرساختی به شمار می رود که تبدیل آن به دیگری توجیه آواشناختی داشته باشد به عبارت دیگر بافت قاعده مند داشته باشد.
- ۴- طبیعی بودن واج شناختی: از دو مشخصه در حال تناوب $[\alpha]$ و $[\beta]$ مشخصه ای بازنمایی زیرین محسوب می شود که تبدیل آن به دیگری در میان سایر زبان ها نیز رایج باشد یا سابقه ای از آن در زبان های دیگر دیده شود. مثلاً قاعده خیشومی شدگی واکه قبل از همخوان خیشومی در اکثر زبان ها مشاهده می شود.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۵- پیش بینی پذیری واج شناختی :

این معیار ویژه صیغه های زبان است و در ساخت واژه دیده میشود هنگام مقایسه اسم های مفرد و جمع یا اسم های معرفه و نکره یا شخص و شمار در زبان های مختلف گاهی خلاهایی در یکی از صیغه ها دیده می شود به عبارت دیگر دو مشخصه $[\alpha]$ و $[\beta]$ در بعضی از صیغه ها در حال تناوب هستند و در بعضی بافت ها این تناوب دیده نمی شود و در هر دو صورت مثلا مفرد و جمع مشخصه $[\alpha]$ آشکار می گردد اصل پیش بینی واج شناختی در چنین مواردی آن مشخصه در حال تناوب یعنی $[\beta]$ را به عنوان بازنمایی زیرین شناسایی می کند.

۶- طبیعی بودن یا توجیه پذیری :

هرگاه در مجموعه ای از داده ها مشخصه $[\alpha]$ در بافت A و مشخصه $[\beta]$ در بافت B مشاهده شود در این حالت یکی از این دو قاعده $a \rightarrow B$ و $B \rightarrow a$ عمل خواهد کرد. در چنین حالتی قاعده ای عمل می کند که از طبیعی بودن و پذیرفتگی آوایی بیشتری برخوردار باشد. (همان: ۱۹-۲۷)

در جریان اشتقاق بازنمایی روساختی از بازنمایی زیرین معمولا قواعد واجی به ترتیب خاصی عمل میکنند چرا که عدم رعایت ترتیب قواعد صورت های آوایی بد ساخت را تولید می کند در چنین مواقعی تعامل بین قواعد واجی نظیر روابط زمینه برچینی، را به وضوح می توان مشاهده کرد نمونه یک اشتقاق واجی در زیر آمده است :

UR /#.....#/#

#.....# RI

#.....# R۲

#.....# ...

#.....# Rn

PR [.....]

۲- همگونی

همگونی از بارزترین فرآیندهای واجی محسوب می شود. «گاهی یک همخوان در همنشینی با همخوان دیگر پاره ای از مشخصه های آوایی را از دست می دهد و به جای آن مشخصه های آوایی همخوان مجاور را می پذیرد. این فرآیند را که شاید یکی از جهانی های آوایی باشد همگونی گویند. چنان چه این فرآیند موجب می شود که یکی از همخوان ها عینا به صورت همخوان دیگر در آید آن را همگونی کامل گویند. چنان که در ترکیب ((از)) [az] و «سر» تلفظ آن به صورت [assar] همگونی کامل حاصل شده است اما اگر همگونی موجب همانندی کامل دو همخوان نگردد آن را همگونی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ناقص گویند مانند ((شنبه)) که به صورت [ambe] تلفظ می گردد که همخوان [m] تنها از نظر جایگاه با [b] همگون شده است ولی از نظر حالت خیشومی مانده است. (حق - شناس ۲۳۵۶:۱۵۲).

« همگونی بر حسب جهت خطی دگرگونی از واج غالب به سوی واج در حال تغییر به دو دسته کلی تقسیم می شود: الف: همگونی پسرو، روندی است که طی آن یک همخوان یا همخوانی که پس از آن می آید تشابه پیدا می کند، وقوع پیش از موقع حرکات عضلاتی که می روند تا واج بعدی تولید کنند علت اصلی این دگرگونی دانسته شده است. ب) همگونی پیشرو، هنگامی پیش می آید که واج نخستین ثابت می ماند و به طریقی واج دوم را شبیه خود می سازد.» (آرلاتور ۱۳۸۴:۹۴ و نیز حق شناس ۲۵۳۶:۱۵۲-۱۵۳)

۱-۱-۲ همگونی b با p

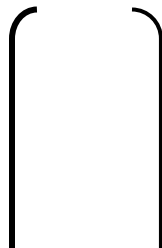
در گونه سیستانی همخوان **b** چنانچه در ابتدای خوشه آغازین قبل از همخوان بی واک قرار گیرد به همتای بی واک خود **p** تبدیل می شود این همگونی از نوع پسرو و ناقص می باشد.

جدول ۱- تبدیل b به p در برخی از واژگان سیستانی

فارسی معیار	قبل از همگونی در گونه سیستانی	بعد از همگونی در گونه سیستانی
بساز	bsaz	psaz
بخور	boxor	pxor
بتاز	betaz	ptaz
بخر	bexar	Pxa:r
سبک	sabok	spok

قاعده تبدیل همخوان /b/ به [p] بدین صورت نمایش داده میشود

$$B \rightarrow p / \begin{bmatrix} s \\ x \\ t \end{bmatrix}$$



چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

+ همخوانی

- پیوسته واک → [] / []

+ لبی

+ واک

بنابراین با توجه به قواعد بالا صورت زیر ساخت تا رو ساخت [psz] به صورت زیر می باشد:

/#bsz#/ بازنمایی زیرساختی

قاعدۀ همگونی همخوان با همخوان (پسرو) psz

بازنمایی روساختی [psz]

بررسی داده ها یک تناوب واجی را بین [b] ~ [p] نشان می دهد برای تعیین صورت زیرساختی دو فرضیه را می توان در نظر گرفت:

فرضیه اول :

همخوان [p] صورت زیرساختی است و قاعده ای نیاز است که این همخوان لبی و بی واک را در مجاورت همخوان بیواک [s,x,t] به همخوان واکدار [b] تبدیل کند

فرضیه دوم:

همخوان [b] صورت زیرساختی است و قاعده ای نیاز است که این همخوان واکدار را در مجاورت همخوان بیواک [s,x,t] به همخوان لبی و بی واک [p] تبدیل کند.

برای تعیین صورت زیرساختی داده های بیشتری بررسی می شوند براساس معیار بسامد وقوع می توان گفت:

از دو مشخصه در حال تناوب [b] ، [p] مشخصه ای که توزیع متنوع تری دارد بازنمایی زیرساختی به شمار می رود با توجه به اینکه در همه بافت ها به جز موارد بالا ، [b] ظاهر می شود بنابراین [b] صورت زیرساختی می باشد:

مثال

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در گونه در سیستانی	فارسی در معیار	
beni	Ben nein	بشین
bro →	boro	برو
bur	beur	بشور
Bgi:(r)	begir	بگیر

براساس معیار پذیرفتگی آوایی از صورت دو تناوب آن طرفی UR است که قاعده تبدیل آن به طرف دیگر در محیط آوایی پیرامونش به لحاظ آواشناختی منطبق داشته باشد. اگر [p] صورت زیرساختی باشد در مجاورت [s,x,t] باید ناهمگونی صورت گیرد. در صورتی که اگر [b] صورت زیرساختی باشد در مجاورت [s,x,t] در مشخصه بیواکی همگون میشود با توجه به این که ناهمگونی پدیده ای بسیار نادرتر از همگونی است فرضیه دوم تایید می شود

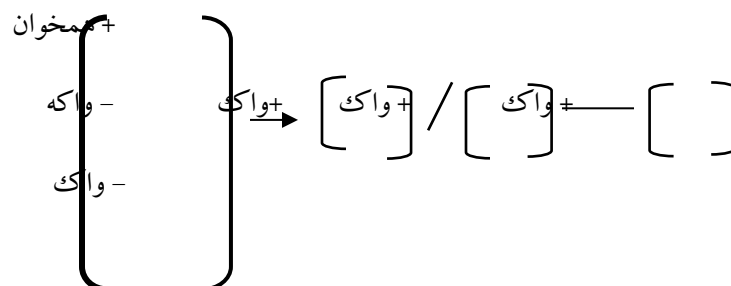
۲-۱-۲- واکدار شدن بی واک در محیط واک

همخوان بی واک در محیط واک واکدار می شود این همگونی از نوع پسرو است

جدول ۲- همگونی همخوان بی واک به واک دار در محیط واک

معنی فارسی	فارسی معیار	واج نویسی قبل از همگونی	واج نویسی بعد از همگونی
اصغر	asqar	asqa:r	aZqa:r
صفدر	Safdar	Safda:r	Savda:r
اکبر	Akba:r	Akba:r	Agba:r
مطبخ	Matbax	Motba:x	Modba:x
یک قرآن	yakqeran	yakqero:	yaqqero:

قاعده این تبدیل را میتوان به صورت زیر نشان داد:



چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بنابراین با توجه به قواعد بالا صورت زیر ساخت تا روساخت [modba:x] به صورت زیر می باشد:

بازنمایی زیرساختی /#otba□:x #/

قاعده همگونی همخوان با همخوان (پسرو) modba:x

modba:x

بررسی داده ها یک تناوب واجی را بین [C] ~ [C] نشان می دهد. برای تعیین صورت زیرساختی دو فرضیه را می توان در نظر گفت:

فرضیه اول:

همخوان واکدار [C] صورت زیرساختی است و قاعده ای نیاز است که این همخوان واکدار را در محیطی واکی به همخوان بی واک [C] تبدیل کند

فرضیه دوم:

همخوان بی واک [C] صورت زیرساختی است و قاعده ای نیاز است که این همخوان را در محیط واکی به همخوان واکدار [C] تبدیل کند.

بر اساس معیار پذیرفتگی آوایی از صورت دو تناوب آن طرفی UR است که قاعده تبدیل آن به طرف دیگر در محیط آوایی پیرامونش به لحاظ آواشناختی منطبق داشته باشد. اگر [C] صورت زیرساختی باشد در محیط واکی باید ناهمگونی صورت گیرد. در صورتی که اگر [C] صورت زیرساختی باشد در مجاروت واکی همگونی رخ می دهد با توجه به این که ناهمگونی پدیده ای بسیار نادرتر از همگونی است فرضیه دوم تایید می شود با توجه به معیار طبیعی بودن واج شناختی می توان گفت: قاعده تبدیل شدن [C] به [C] در محیط واکی علاوه بر بافت تلفظی زبان مورد بررسی در بسیاری از زبان های مطالعه شده قاعده ای طبیعی و مسبق به سابقه می باشد.

۲-۱-۳- همگونی n با b

همخوان /n/ در مجاورت با /b/ همگون می شود و به همخوان خیشومی /m/ تبدیل می شود این همگونی از نوع پسرو و ناقص می باشد.

جدول ۳- همگونی n با b

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

معنی فارسی	فارسی در معیار	گونه در سیستانی
انبر	Anbor	Ambor
منبر	Manbar	Memba:r
تنبيه	tanbih	Tambe:

بررسی داده‌ها یک تناوب واجی را بین [m] ~ [n] نشان می‌دهد برای تعیین صورت زیرساختی دو فرضیه را می‌توان در نظر گرفت:

فرضیه اول:

همخوان [m] صورت زیرساختی است و قاعده‌ای نیاز است که این همخوان خیشومی و لبی را در مجاورت همخوان دولبی [b] به همخوان تیغه‌ای [n] تبدیل کند.

فرضیه دوم:

همخوان [n] صورت زیرساختی است و قاعده‌ای نیاز است که این همخوان خیشومی و تیغه‌ای /n/ را در مجاورت همخوان دولبی [b] به همخوان لبی [m] تبدیل کند.

برای تعیین صورت زیرساختی داده‌های بیشتری بررسی می‌شوند برای نمونه اگر همخوان زیرساختی /n/ در جایگاه پایانی قبل از واژه قبل از واژه‌هایی که با همخوان لبی /b/ آغاز می‌شوند واقع شود همخوان زیرساختی و تیغه‌ای [n] با همخوان لبی در مرز واژه همگون می‌شود: مثال

زن بابات: zan+b□b+e+to → zambaba+e+to

بر اساس معیار پذیرفتگی آوایی از صورت دو تناوب آن طرفی UR است که قاعده تبدیل آن به طرف دیگر در محیط آوایی پیرامونش به لحاظ اواشناختی منطبق داشته باشد. اگر [m] صورت زیرساختی باشد در مجاورت [b] باید ناهمگونی صورت گیرد. در صورتی که اگر [n] صورت زیر ساختی باشد در مجاورت [b] همگون می‌شود با توجه به این که ناهمگونی پدیده‌ای بسیار نادرتر از همگونی است فرضیه دوم تایید می‌شود علاوه بر آن در بسیاری از گونه‌های زبانی ایرانی این فرآیند وجود دارد و با توجه به طبیعی بودن واج شناختی قاعده تبدیل شدن [n] به [m] - علاوه بر بافت تلفظ زبان مورد بررسی در بسیاری از زبان‌های مطالعه شده قاعده‌ای طبیعی و دارای پیشینه می‌باشد.

در گروهی دیگر از کلمات علاوه بر همگونی پسرو ناقص /n/ با /b/ در مرحله بعد در اثر همگونی پیشرو /b/ نیز با /m/ همگون شده و یک /m/ مشدد را تشکیل می‌دهد.

جدول ۴- همگونی کامل n به m

معنی فارسی	فارسی معیار	مرحله اول همگونی	مرحله دوم همگونی
------------	-------------	------------------	------------------

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

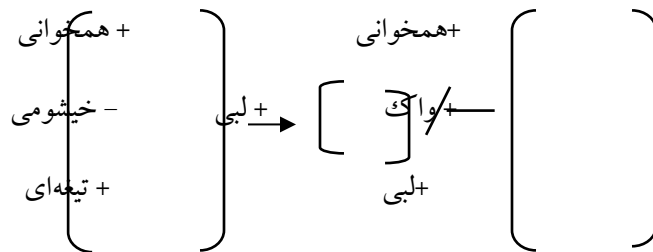
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

Temma:l	Temba:l	Tanbal	تنبل
demma	demba	donbe	دنبه
pemma	pemba	panbe	پنبه
□amma	□amba	□anbe	شنبه
somma	somba	sonbe	سنبه
Gomma:z	Gomba:z	Gonbad	گنبد
dommala	dombala	donb□le	دنباله

همگونی پسرو

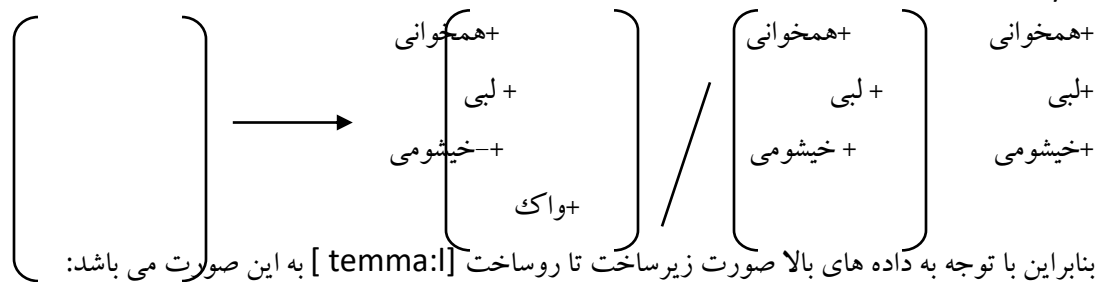
n → m/-b

S
X
t



همگونی پیشرو

b → m/m



بنابراین با توجه به داده های بالا صورت زیر ساخت تا رو ساخت [temma:l] به این صورت می باشد:

/#tenba:l#/

بازنمایی زیر ساختی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

قاعده همگونی همخوان با همخوان (پسرو): tembal

قاعده همگونی همخوان با همخوان (پیشرو) : temma:l

بازنمایی روساختی [temma:l]

۲-۲- تبدیل L و r به یکدیگر

یکی از موارد همگونی همخوان ها همگونی بین دو همخوان [L] و [r] است که داده های مربوط به آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۵- تبدیل L و r به یکدیگر

معنی فارسی	فارسی در معیار	گونه در سیستمی
دیوار	Divr	De:v
برگ	Ba:r	Ba:lg
قیر	Gir	Ge:il
سوراخ	surx	sul x
خرگوش	Xargu	Xa:lgo k
کلاغ	kalq	Ga:r q

بررسی داده ها یک تناوب واجی را بین [r] و [l] نشان می دهد. برای تعیین صورت زیرساختی دو فرضیه را می توان در نظر گرفت .

فرضیه اول :

همخوان [l] صورت زیرساختی است و قاعده ای نیاز است که این همخوان را به [r] تبدیل کند.

فرضیه دوم:

همخوان [r] صورت زیرساختی است و به قاعده ای نیاز است که این همخوان را به [l] تبدیل کند.

همخوان های [L] و [r] هر دو جزو همخوان های روان هستند و یک طبقه طبیعی را تشکیل می دهند. این دو همخوان روان که تنها در مشخصه [کناری] با یکدیگر متفاوت هستند در فرآیندهای واجی مشترک شرکت می کنند . در دوره میانه نیز

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بسیاری از کلماتی که دارای یکی از این دو همخوان بوده اند با همخوان دیگری نیز بازنویسی شده اند مانند آنچه در فرهنگ پهلوی تالیف دیوید نیل مکزی (۱۳۷۹) دیده میشود. بنابراین از آن جایی که این دو همخوان اعضای یک طبقه طبیعی هستند و زمانی یک همخوان بوده‌اند میتوان گفت که /l/ و /r/ در فرآیندهای واجی شرکت می‌کنند و در بسیاری از بافت‌ها جانشین یکدیگر می‌شوند.

۳- نتیجه گیری

هدف دستور زایشی فراهم کردن ساده‌ترین دستور برای زبان است در واج‌شناسی زایشی سادگی برابر است با تعداد مشخصه‌های لازم برای منعکس کردن یک تعمیم واجی (یک قاعده کلی) هر چه تعداد مشخصه‌های لازم مورد نیاز کمتر باشد تحلیل ساده‌تر است و دارای ارزش بیشتری خواهد بود.

برخی فرایندهای واجی که به صورت زایا در گویش سیستانی در مقایسه با فارسی معیار وجود دارد شامل همگونی می‌شود برای مثال: همخوان انسدادی /b/ چنانچه در جایگاه آغازین خوشه همخوانی قبل از همخوان بی‌واک قرار بگیرد با آن همگون می‌شود و به جفت بی‌واک خود [p] تبدیل می‌شود که نمونه‌ای از همگونی پسرو می‌باشد مثال: بساز

bsɒz → psɒz

همخوان خیشومی و تیغه‌ای /n/ در بافت همخوان لبی /b/ با آن همگون می‌شود و به [m] تبدیل می‌شود که از نوع همگونی پسرو می‌باشد مثال انبر anbor → ambor

در برخی از واژه‌ها دو مرحله همگونی وجود دارد"

در مرحله اول: همخوان خیشومی و تیغه‌ای /n/ در یافت قبل از همخوان لبی /b/ به [m] تبدیل می‌شود و در مرحله بعد بر اثر همگونی پیشرو /m/ با /b/ همگون می‌شود و یک /m/ مشدد را تشکیل می‌دهد که نتیجه حاصل از دو مرحله یک همگونی کامل می‌باشد.

مثال: تنبل temba:l tɒnbal →

همخوان‌های روان /l/ و /r/ در برخی بافت‌ها جانشین هم می‌شوند. و بین آنها همگونی ایجاد می‌شود مانند

→ Ge:il gir

منابع:

-آرلاتو، آنتونی (۱۳۸۴) در آمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، مترجم: یحیی مدرس، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

- افشارسیستانی، ایرج (۱۳۶۵) واژه‌نامه سیستانی، انتشارات ندا، تهران.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۷) نگاهی تازه به دستور زبان، انتشارات آگاه، چاپ هشتم، تهران.
- بهاری، محمدرضا (۱۳۷۸) بررسی گویش مردم سیستان، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- پرواز، سیاوش (۱۳۵۹) واژه نامه سیستان، مجله هدهد، شماره های ۱/۳/۵/۶/۹/۱۰.
- جولیا اس. فالک (۱۳۷۲) زبانشناسی و زبان، خسرو غلامعلی زاده، آستان قدس رضوی، مشهد، چ سوم.
- حق شناس علی محمد (۲۵۳۶) آواشناسی، انتشارات آگاه، چ اول، تهران.
- رئیس‌الذاکرین دهبانی، غلامعلی (۱۳۸۶) کورنامه نیمروز، انتشارات فرهنگ سیستان.
- رئیس‌الذاکرین دهبانی، غلامعلی (۱۳۸۷) کاکلک، اشعاری به گویش سیستانی، انتشارات سنبله، مشهد.
- رئیس‌الذاکرین دهبانی، غلامعلی (۱۳۸۶) فرهنگ منظوم دهبانی به گویش سیستانی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- رئیس‌الذاکرین دهبانی، غلامعلی (۱۳۸۹) گج و گج بررسی علمی گویش سیستانی، انتشارات تفتان، زاهدان.
- رحیمی، زمر (۱۳۸۱) سیمای فرهنگی سیستان و بلوچستان، اداره کل آموزش سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سمیعی، احمد و دیگران (۱۳۸۶) مبانی زبانشناسی (درسنامه دوره کاردانی و کارشناسی زبان و ادبیات فارسی) شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، تهران، چ اول.
- کرد زعفران‌لو کامبوزیا، عالیه (۱۳۸۵) واج شناسی و رویکردهای قاعده بنیاد، انتشارات سمت، تهران.
- محمدی خمک، جواد (۱۳۷۹) واژه نامه سگزی، انتشارات سروش، تهران.
- نیل مکنزی، دیوید (۱۳۷۹) فرهنگ کوچک زبان پهلوی، مترجم: مهشید میرفخرایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- لازار، ژیلبر (۱۳۸۴) دستور زبان فارسی معاصر، مترجم: مهستی بحرینی، انتشارات هرمس، تهران.
- هایمن، لاری ام (۱۳۶۸) نظام آوایی زبان، مترجم: یدالله ثمره، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.

منابع خارجی

- Chomsky, N & Halla, (۱۹۶۸), Sound Pattern of English, New York: Harper & Rpw.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

-Weryho, Jan W, (۱۹۶۲), Sistani-Persian Folklor, Indo-Iranian journal, ۵, montreal, ۲۷۶-۳۰۷.

-Yarshater, Ehsan, (۱۹۸۵), Encyclopaedia Iranica, Routledge & Kegan Paul, ۳۴۸-۳۵۶.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature